



20.1001.1.29809185.1402.2.2.5.1

تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه

(مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام شاه)

علی غفرانی^۱ رضا محمدی^۲ آسیه حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

چکیده

این پژوهش در نظر دارد تا کنش‌های گفتاری استنادات قرآنی تاریخ ایلچی را بر اساس نظریه کنش گفتاری، تحلیل کند و به این پرسش پاسخ دهد که بر مبنای این نظریه، استنادات قرآنی این منبع، چگونه و بسامد هر کنش گفتاری به چه میزان بوده است؟ این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در آن از داده‌های کمی و کیفی استفاده شده است.

بیشترین کنش گفتاری استنادات قرآنی تاریخ ایلچی، با تعداد ۸۱ مورد از ۱۱۵ مورد با ۷۰/۴۳ درصد، مربوط به کنش‌های اظهاری است. کنش‌های ترغیبی با ۱۵ مورد با ۱۳/۰۴ درصد در جایگاه دوم از بیشترین استنادات قرار دارند. کنش تعهدی در استنادات تاریخ ایلچی ۸ مورد بوده و ۶/۹۵ درصد کنش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. ۷ مورد با ۶/۰۸ درصد از کنش‌ها به کنش‌های عاطفی اختصاص داشت و در نهایت ۴ مورد با ۳/۴۷ درصد کنش گفتار اعلامی در این استنادات دیده شد. هنگامی که کنش‌های اظهاری بیشترین بسامد را در متن داشته باشند، نشانه آن است که نویسنده قصد دارد به صورت شفاف و مستقیم، حقایق و اطلاعات را به خواننده منتقل کند. این نوع کنش گفتاری در متون علمی، تاریخی، خبری و آموزشی بسیار رایج است.

کلیدواژگان: تاریخ ایلچی نظام شاه، دوره صفویان، نظریه کنش گفتاری، جان سرل، استنادات.

۱. دانشیار گروه ایران‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / A.ghofrani@basu.ac.ir

۲. فارغ التحصیل دکترای تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) / reza.muhammadi90@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران / asiye.hosseini@gmail.com

* غفرانی، علی، محمدی، رضا و حسینی، آسیه. (۱۴۰۲). «تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام شاه)»، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۲، صص ۱۳۷-۱۰۹.



مقدمه

صفویان در تاریخ ایران اسلامی توانستند پس از شاهان ساسانی، یک حکومت مستقل با وجهه ملی- مذهبی در حدود مرزهای تاریخی ایران تشکیل دهند و بیش از دو قرن بر فلات ایران حکم برانند. پایداری سیاسی این دودمان از سال ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ ق و پایه گذاری مذهب شیعه امامی و تداوم آن تا امروز، حکایت از اقدامات عمیق و دقیق صفویان دارد. این اقدامات در مواضع مختلف مذهبی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، فکری، فرهنگی و... صورت پذیرفت.

صفویان شیعی مذهب به عنوان یک حکومت قدرتمند، از سپاه و نیروی نظامی و دستگاه تبلیغاتی و دیپلماسی قوی برخوردار بودند و توانستند با دو حریف سنی مذهب عثمانی در غرب و ازبکان در شمال شرقی مقابله کنند. همین امر بر تاریخنگاری دوره صفویه تأثیر نهاده و متون تاریخی این دوره پر از استناد مورخان به قرآن است؛ به طوری که، مؤلفان دوره صفویه، در جای جای مباحث، به مناسبت های سیاسی، مذهبی، نظامی و اجتماعی از آیات قرآن استفاده می کردند و در تبیین مسائل تاریخی به قرآن توجه زیادی داشتند (آرام، ۱۳۸۶، ۳۲۱).

تعیین مذهب شیعه به عنوان مذهبی رسمی کشور در این دوره نیز بر نوع اندیشه تاریخنگاری آن تأثیر گذاشت. مورخان در این دوره با ادامه روش تاریخنگاری تیموری، اما با تأکید بر حقانیت مذهب تشیع، آثار مکتوب فراوانی از خود بر جای نهادند. در دوره صفوی استفاده از آیات قرآن در تاریخنگاری با محوریت اندیشه صوفی - شیعی ادامه داشت و چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ نوع، از کاربرد فراوانی نسبت به منابع پیش از خود برخوردار بود. به نظر می رسد علل این امر را باید علاوه بر انذار و تحذیر (لاهیجی، ۱۳۵۲، ۱۹) و اتکای تاریخ نویسی کلام انگارانه به منابع معرفت شناختی همچون عقل و نقل معتبر، قدرت نفی و اثبات محکمی در کنه چنین رویکردی مشاهده نمود. هواخواهان و مخالفان صفویان کوشیدند با بهره گیری از چنین روشی، ضمن تأیید و اثبات گرایش های سیاسی و عقیدتی خود، مبانی مشروعیت بخش مذهبی این دولت را اثبات و یا رد نمایند.

موضوع هسته اصلی روایات، نقش مهمی در نوع روش به کار گرفته شده داشت (قاسمی و بنشاخته، ۱۴۰۰، ۱۰۵).

کاربرد آیات قرآن در متون تاریخی از همان آغاز تاریخ‌نگاری اسلامی با دو محوریت آغاز گردید. از یک سو، استنادات به قرآن در منابع تاریخی به وسیلهٔ راویان و در روایت واقع‌های خاص ثبت می‌گردید که این امر بیشتر در مواردی صادق بود که مورخان در تلاش برای ثبت وقایع پیش از خود بودند. به طور مثال دینوری از وقایع‌نگاران قرن سوم هجری، هنگام سخن از وقایع قرن اول هجری، به استنادات قرآنی بازیگران سیاسی نیز اشاره می‌کند (دینوری، ۱۳۸۳، ۱۸۱). از سوی دیگر، استفاده و استناد مورخان به قرآن در مواضع مختلف و در توصیف و تشریح وقایع هم‌زمان خود، قابل توجه است. مورخان قرون نخستین اسلامی معمولاً کار تدوین کتب خود را با نام و حمد خداوند متعال و درود بر پیامبر گرامی اسلام و پیامبران و اساساً با هستی‌شناسی قرآنی از شکل‌گیری تاریخ آدم تا خاتم و فلسفهٔ آفرینش انسان برای عبادت خداوند و قرار دادن شب و روز برای تعیین روز و ماه و سال و وقت نماز و زکات و حج و روزه و فرائض دیگر آغاز می‌کردند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴/۱)؛ اما به نظر می‌رسد استفادهٔ مورخان از آیات و البته با محوریت تفسیر به رأی، به زمانی بازمی‌گردد که نگارش تاریخ با محوریت دودمان‌نگاری آغاز گردید. به طور مثال آیهٔ ۲۴۷ سورهٔ بقره، شرح داستان طالوت به عنوان فرمانروای قوم بنی‌اسرائیل است که بخش پایانی این آیه «يُؤْتِي مَلِكُهُ مَن يَشَاءُ...» مربوط به اعطای حکومت از جانب خداوند به بندگانش است. احتمالاً این آیه در منابع تاریخی دورهٔ سلجوقیان، دستمایه‌ای برای مورخان شده تا مقام حکمرانی را در دوره‌های مختلف تاریخی مشروع نمایند.^۱ در ذکر سلطنت سلاجقهٔ بزرگ (همدانی، ۱۳۸۶، ۲) و همچنین بر تخت نشستن غیاث‌الدین کیخسرو بن کیقباد از حاکمان سلاجقهٔ روم این آیه به کار رفته است (مشکور، ۱۳۵۰، ۲۰۹). در دورهٔ مغولان در ذکر جلوس خاقان میرزا شاهرخ بهادر بر سریر سلطنت (سمرقندی، ۱۳۸۳، ۹/۳)، و در دورهٔ تیموری نیز از این آیه و با همین رویکرد استفاده شده است (یزدی، ۱۳۸۷، ۱۵/۱). اما منابع

۱. توضیح این مطلب لازم به نظر می‌رسد که جدای از مباحث اعتقادی، در اکثر موارد، آیات قرآن در این دوره تفسیر به رأی شده است.

عصر صفوی در استناد به این آیه، گوی سبقت را از مورخان پیش از خود ربودند (اصفهانی، ۱۳۸۲، ۳۶۹؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ۴/۴۷۲؛ هروی، ۱۳۸۳، ۲۴۱). از این رو استناد به آیات به عنوان سنت تاریخ‌نگاری در متون تاریخی به کار می‌رفته است.

این پژوهش در نظر دارد با روش توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر نظریه کنش‌گفتاری به بررسی آیات قرآن در منابع عصر صفویان بپردازد. بر این اساس پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤالات است که بر اساس نظریه کنش‌گفتاری، استنادات قرآنی کتاب تاریخ ایلچی چگونه است و بسامد هر کنش‌گفتار به چه میزان بوده است؟

درباره پیشینه پژوهش باید گفت هر چند کارهای ارزنده‌ای درباره تاریخ‌نگاری در دوره صفویه صورت گرفته اما کمتر به موضوع آیات قرآن در تاریخ‌نگاری این عصر با رویکرد کنش‌گفتاری پرداخته شده است. با این حال چند مقاله به صورت جزئی و مورخ‌محور به این موضوع پرداخته است؛ از جمله مقاله «بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی» از عبدالله متولی در فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال چهارم، بهار ۱۳۹۱ شماره ۱۲. این مقاله تنها به کارکرد آیات و روایات در مراسلات عصر صفوی پرداخته و به تاریخ‌نگاری اشاره‌ای نکرده است. همچنین می‌توان به مقاله «اسکندر بیک ترکمان و آیه‌نگاری‌اش در عالم‌آرای عباسی» نوشته عظیمه پاینده و علی‌اکبر جعفری اشاره کرد که در فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۷ شماره ۳۰ چاپ شده است. نویسندگان این مقاله به تاریخ‌نگاری در عصر صفویه، سبک و ویژگی‌های فکری و فرهنگی تاریخ‌نگاری این دوره پرداخته و آیه‌نگاری در تاریخ‌نویسی ایران دوره اسلامی را معرفی می‌کنند و پیشینه آن در تاریخ‌نگاری را بررسی می‌نمایند. تکیه اصلی این مقاله بر کتاب عالم‌آرای عباسی و تاریخ‌نگاری آن است و به دیگر آثار تاریخ‌نگاری در این دوره نپرداخته است. همچنین مقاله «تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ صفوی؛ روایتی مقدس از جنگ‌هایی مقدس» نوشته محمود مهمان‌نواز و علی اعتصامی که در فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ سال چهارم پاییز ۱۳۹۹ شماره ۳ چاپ شده است. در این پژوهش نویسندگان به دنبال پاسخ دادن به این پرسش هستند که جنگ‌های دوره شیخ جنید و حیدر در تاریخ‌نگاری دوره صفوی چگونه بازتاب یافته‌اند؟

نویسندگان با بررسی رویکرد آیه‌نگاری در روایت جنگ‌های شیوخ صفوی، تعبیرات قرآنی در وصف کشته‌شده‌ها، شبیه‌سازی مذهبی در روایت تاریخ‌نگاری صفوی و اندیشه مشیت الهی در روایت جنگ‌ها، به تفسیر روایت‌های تاریخی این دوره در خصوص جنگ‌های زمان شیخ جنید و حیدر پرداخته و نشان می‌دهند که تاریخ‌نگاری صفوی روایتی مقدس از جنگ‌های این دوره ارائه نموده و به هر رخدادی رنگ و بوی اعتقادی و مذهبی داده‌اند. این مقاله فقط دوره شیخ حیدر و شیخ جنید را شامل می‌شود و همچنین تنها به امر جنگ پرداخته است. پژوهش دیگر در این زمینه مقاله «بررسی و تحلیل رویکرد تاریخ‌نگاری دوره صفویه در قبال حملات شاه طهماسب به گرجستان» نوشته محمود مهمان‌نواز است که در مجله تاریخ ایران دوره ۱۴، شماره ۳۰، شهریور ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. همان طور که از عنوان مقاله پیداست، در این پژوهش نویسنده به رویکرد و نگاه مورخان و تاریخ‌نگاری دوره صفویه در قبال جنگ‌های شاه طهماسب صفوی با منطقه گرجستان پرداخته است. مقاله دیگر «تأثیر عناصر کلامی در بینش و روش تاریخ‌نویسی دوره صفویه» از علی قاسمی و محمد بن‌شاخه چاپ فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۷۴، تیر ۱۴۰۰ است که نتایج آن نشان می‌دهد به سبب اتکای تاریخ‌نویسی کلام‌انگاران به منابع معرفت‌شناختی همچون عقل و نقل معتبر - قدرت نفی و اثبات محکمی در کنه چنین رویکردی بوده است. هواخواهان و مخالفان صفویان کوشیدند با بهره‌گیری از چنین روشی، ضمن تأیید و اثبات گرایش‌های سیاسی و عقیدتی خود، مبانی مشروعیت‌بخش مذهبی این دولت را اثبات و یا رد نمایند. موضوع هسته اصلی روایات، نقش مهمی در نوع روش به کار گرفته شده داشت. عبدالعلی اوپسی کهخا و محمد چهارم‌حالی در مقاله «ویژگی‌های سبکی تاریخ ایلچی نظام شاه»، چاپ دوفصلنامه مطالعات شبه قاره سال هفتم ش ۲۴، پاییز ۱۳۹۴، نیز سبک نثر این کتاب را در دو بخش «صوری» و «محتوایی» تحلیل کرده‌اند. در «بخش صوری» خصیصه‌های دستوری (صرف) آن در سه بخش اسامی خاص و عام، ترکیبات اسمی و وصفی، ساختمان فعل‌های مرکب و خصیصه‌های ادبی در دو بخش آرایه‌های بیانی و اشعار از نظر سبک‌شناسی تحلیل شده است. در «بخش محتوایی» به خصیصه‌هایی چون صداقت و بی‌پروایی، ذکر جزئیات و ثبت دقیق، اعتدال در توصیف

و استناد علمی پرداخته شده است. به دلیل این که تاریخ ایلچی نظام شاه در زمانی تألیف شده که کتاب‌های تاریخی بسیاری نوشته شده است برای روشن تر شدن موضوع و ارزیابی‌های منطقی سبک‌شناسانه، سبک این کتاب با کتب تاریخی قبل و بعد و هم‌عصر، در زمینه مورد بحث مقایسه شده است. تفاوت این مقاله با مقالات مذکور در شیوه و روش تحلیل است که با رویکرد کنش‌گفتاری صورت گرفته است.

نظریه کنش‌گفتاری

نظریه کنش‌گفتاری درون نظام گسترده‌تری از کاربردشناسی قرار می‌گیرد که تمرکز بر توصیف مشخصه‌های زبان کاربردی است. این نظریه به طور سنتی مجموعه آوایی رویکردها و شیوه‌ها را برای تبیین کاربرد درون‌متنی زبان در اختیار سبک‌شناسان قرار داده است. اعتقاد اصلی نظریه کنش‌گفتاری همان‌گونه که آستین طرح کرده، عبارت است از این که انسان‌ها زبان را به کار می‌برند اما در واقع کاری بیش از صرفاً بیان واژه‌ها انجام می‌دهند. طبق نظر آستین زبان چیزی بیش از معنای واژگان و عبارات خاص است. از این رو عنوان مجموعه او این است: «چگونه با واژه‌ها کار کنیم؟».

نظریه کنش‌گفتاری بعدها به دقت توسط شاگرد آستین یعنی جان آر، سرل شرح داده شد. به این ترتیب که به دلیل تبادل واژه‌ها یا عبارت‌هایی که نمی‌توان آن را تنها در چارچوب حقیقت و قطعیت ارزش‌گذاری کرد، اگر مخاطبی تلاش کند تا اهداف و مقاصد چیزی را دریابد که گوینده کلام می‌گوید، حقیقت و قطعیت اغلب خیلی مفید نیستند. به این نمونه‌ها توجه کنید: (الف) «عید مبارک!»، (ب) «بدین وسیله اعلام می‌کنم که کلاس تمام شد» یا (ج) «اینجا گرم است!». چیزی که در این نمونه‌ها مهم‌تر است، درک زمینه متنی است که این گفته‌ها در آن قرار دارند، یا با آن‌ها مناسب هستند و بنابراین به اهداف خود می‌رسند و پیام مورد نظر را به شنونده منتقل می‌کنند. برای مثال، در گفتار متداول، نمونه (الف) می‌تواند تنها به عنوان تبریک فصلی عمل کند؛ نمونه (ب) را باید فردی اظهار کند که توان خاتمه دادن به یک جلسه را داشته باشد و نمونه (ج) به عنوان توصیفی از دما در یک اتاق است، اما ممکن است به عنوان درخواست از کسی مبنی بر

بستن نیز تعبیر شود؛ بنابراین از زاویه دید نظری، کنش گفتاری ارتباط وابسته به بافت متن، پویا و هدفمند است زیرا گوینده معمولاً در هنگام برقراری ارتباط قصدی دارد. به بیان بهتر ارتباط تنها هنگامی می‌تواند موفق باشد که شنونده آن هدف را بفهمد و با موافقت بدان پاسخ دهد. ارتباط برقرار کردن یعنی کنش داشتن.

در نظریه کنش گفتاری، واحد زبانی اصلی کنش گفتار است که عبارت است از: «پاره گفتاری که گوینده/ نویسنده‌ای معین برای یک شنونده/ خواننده در بافت زمینه‌ای مشخص می‌سازد». یک کنش گفتار متشکل از سه جزء است:

الف) شیوه سخن‌گویی،

ب) پیام کلامی،

ج) پس‌بیانی.

شیوه سخن‌گویی یا بار بیانی به ویژگی‌های (گزاره) آواشناختی / نحوی و معنایی جمله (محتوا) اشاره می‌کند. پیام کلامی یا بار منظوری که اغلب به عنوان مهم‌ترین جنبه یک کنش گفتار محسوب می‌شود و به اهداف و مقاصد ارتباطی گوینده/ نویسنده اشاره دارد. پس عبارت یا بار پیش‌عبارتی، تأثیر بر مخاطب را توصیف می‌کند. برای مثال در پاره گفتار «اینجا سرد است!» بار شیوه سخن‌گویی را خود واژه‌ها، تناسب معنایی و نحوی آن‌ها می‌سازد که این پاره گفتار را به عنوان یک جمله شکل می‌دهند. بار منظوری می‌تواند درخواستی غیرمستقیم باشد که در آن گوینده از شنونده می‌خواهد تا در را ببندد، اگر چه پرسش متداولی مانند «می‌شود لطفاً در را ببندید؟ اینجا خیلی سرد است» را به کار نمی‌برد. تأثیر پس‌بیانی این پاره گفتار می‌تواند نتیجه متعاقب درخواست غیرمستقیم در این باشد که به واقع فردی کنش بستن در یا پنجره را اجرا کند.

طرفداران نظریه کنش گفتار به ویژه به شناسایی مقاصد ارتباطی ای که پاره گفتارها آن‌ها را شکل می‌دهند و به ابزارهای زبانی ای که بار منظور کنش گفتار را مشخص می‌کنند و به شناسایی آن کمک می‌نمایند، علاقه‌مندند. همچنین شرایطی که باید یک کنش گفتار موفق را تحقق بخشد، اهمیت حیاتی دارند. جان آر. سرل بعدها دسته‌بندی آستین درباره‌ی کنش‌های گفتار و تمرکز او بر افعال کنشی را اصلاح کرد و آن را گسترش داد (سرل، ۱۳۸۷،

۱۲۰). سرل کنش گفتار را واحد پایه معنا قلمداد نموده و آن را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

کنش اظهاری، کنش ترغیبی (انشایی)، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی.

کنش اظهاری:^۱ در این کنش گفتارها، گوینده عقیده خود را دربارهٔ صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد (صفوی، ۱۳۸۷، ۱۷۷). کنش‌های اظهاری در قرآن کریم بسیارند و در اکثر سوره‌ها و آیات یافت می‌شوند.

کنش تحریکی یا ترغیبی:^۲ هدف از کنش گفتاری ترغیبی، ترغیب مخاطب به انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است.

کنش التزامی یا تعهدی:^۳ هدف و نکتهٔ اصلی در این کنش گفتار آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را (با درجات متفاوت) برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند.

کنش ابرازی یا عاطفی:^۴ کنش‌هایی هستند که در آن‌ها حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، تشکر، عذرخواهی، تبریک، ناسزا و مانند آن بیان می‌دارد.

کنش اعلامی یا اعلانی:^۵ کنش گفتار اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. به این معنی که گوینده با اعلام‌های خود تغییرات جدید را ایجاد می‌نماید. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد (عابدینی، ۱۳۹۹: ۵۳-۵۲).

آنچه پیش از این آمد، ابزارهای زبانی معینی هستند که این قابلیت را دارند تا به‌صراحت کنش گفتار موردنظر را افاده کنند. «فعل‌های کنش گفتار» مانند «تبریک گفتن»، «اصرار کردن»، «هشدار دادن» یا «خواستن» می‌توانند مشخص کنند که کدام کنش گفتار به کار می‌رود. ساختی مانند «من قول می‌دهم» یا «من تو را می‌بخشم»، بار منظوری‌ای را که به‌واقع

۱. assertive

۲. directives

۳. commissives

۴. expressives

۵. declarations

گوینده ایفا می‌کند، نشان می‌دهند. به این ترتیب است که این‌ها «گفته‌های کنشی» خوانده می‌شوند. اغلب قید «بدین وسیله» نیز می‌تواند اضافه شود. علاوه بر این بار منظوری، اشاره به ابزارهایی دارد که آن‌ها نیز می‌توانند به کار روند. برای مثال اداتی مانند «لطفاً» برای تقویت یک درخواست، کنش را به همان خوبی عملی می‌کند که سه گونه جمله اصلی یعنی خبری، استفهامی و امری.

همچنین کنش‌های گفتار می‌توانند غیرمستقیم باشند. همان گونه که در نمونه‌ی «اینجا هوا گرم است» بدان اشاره شد. کنش‌های گفتاری که مانند جملات هستند، ممکن است به عنوان درخواست عمل کنند و کنش‌های گفتاری که مانند اعلان‌ها هستند، ممکن است مانند یک هشدار یا تهدید عمل کنند. در کنش‌های گفتار غیرمستقیم گویندگان، کنش گفتار (کنش اولیه) را توسط کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می‌کنند. هر دو کنش گفتار باید برآورد و ارزیابی شوند و تنها هنگامی می‌توان آن‌ها را فهمید که به صورت دو جمله متقابل که یکی به دیگری وابسته است، محسوب شوند. مجدداً این کنش‌های گفتار غیرمستقیم ممکن است بسیار قراردادی و متکی بر اصول مشارکت زبانی باشند (بنگرید اصول مشارکت زبانی) و نقشی حیاتی در ارزیابی ادب (بنگرید ادب) زبانی ایفا کنند. نمونه واضح، درخواستی ساده مانند «می‌شود لطفاً نمک را به من بدهید؟» خواهد بود. این درخواست بیشتر شنونده را وامی‌دارد تا نمک را به گوینده بدهد تا اینکه در پاسخ بگوید «بله».^۱

در کنش گفتاری غیرمستقیم، گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه بر محتوای ظاهری، از محتوای دیگری نیز برخوردار است. به نظر جان سرل، هنگامی که از گفتارهای غیرمستقیم استفاده می‌کنیم، کلام ما کاربرد تحت‌اللفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یک سری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و غیرزبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توانیم به دانستن آداب گفتاری اشاره کنیم (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۵، ۴۳). در نتیجه کنش‌های

۱. رک. ب نور گوا، نینا، ۱۳۹۴، فرهنگ سبک‌شناسی، برگردان: احمد رضایی جمکرانی، مسعود فرهنگد فر، تهران، انتشارات مروارید.



گفتاری که مانند جملات هستند، ممکن است به عنوان درخواست عمل کنند و کنش های گفتاری که مانند اعلان ها هستند، ممکن است مانند یک هشدار یا تهدید عمل کنند. در کنش های گفتار غیر مستقیم، گویندگان، کنش گفتار (کنش اولیه) را توسط کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می کنند. به طور مثال آیه «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳) از گونه کنش های اظهاری است؛ اما مخاطب را به عمل کردن ترغیب می کند. این آیه در واقعه جنگ احد نازل گردید (قرشی، ۱۳۸۳، ۷۲).

معرفی کتاب تاریخ ایلچی

تاریخ ایلچی نظام شاه، اثر خورشاه بن قباد حسینی کتابی است به زبان فارسی در تاریخ عمومی که به تاریخ خورشاه و تاریخ قطبی نیز معروف است. خورشاه بن قباد حسینی، معروف به ایلچی نظام شاه، تاریخ نگار ایرانی تبار هندی، در عراق عجم به دنیا آمده است؛ متأسفانه تاریخ تولد او مشخص نیست. وی در روزگار سلطنت برهان نظام شاه، فرمانروای احمدنگر، به هندوستان کوچ کرد. او به شاه طاهر دکنی، شاعر و پیشوای فرقه اسماعیلیه ارادت می ورزید و گویا خود نیز چون شاه طاهر مذهب اسماعیلیه داشته است. وی در سال ۹۵۲ ق از جانب برهان شاه و شاه طاهر، در مقام سفارت، به همراه هیأتی رهسپار ایران شده، در قزوین به حضور شاه طهماسب رسید و مدت یک سال و نیم در اردوی شاه طهماسب ماند و به همین سبب به «ایلچی نظام شاه» اشتها یافت. سپس حدود یک سال و نیم در دربار شاه صفوی زیست و به همراه شاه طهماسب به گرجستان و شروان سفر کرد.

او در سال ۹۵۴ ق برای رساندن نامه شاه طهماسب به شاه طاهر، به هند برگشت و در احمدنگر، به خدمت برهان شاه و شاه طاهر رسیده، پس از مدتی باز به ایران مراجعت کرده و نوزده سال در ایران ماند. خورشاه در طول اقامت طولانی خود در ایران، به نواحی مختلف ایران از جمله گیلان و مازندران سفر کرده و دیده ها و شنیده های خود را ثبت نموده و در اثر خود آورده است. سفر وی به ایران تا سال ۹۷۱ ق به درازا کشید و در بازگشت به هندوستان، در گلکنده سکنی گزیده، به دربار ابراهیم قطب شاهی (۹۵۷-۹۸۹ ق) پیوست و کتاب تاریخ معروف خود را به نام این پادشاه به پایان برد. این تاریخ عمومی که دارای

نثری ساده بوده و به دور از تعقید، درازگویی و پیچیدگی منشیانه می‌باشد، به «تاریخ ایلچی نظام شاه» معروف شده است.

وی سرانجام در بیست و پنجم ذی‌قعدة سال ۹۷۲ ق در گلکنده درگذشت و احتمالاً در همان‌جا مدفون گردید. اطلاعات دیگری از ایشان در دست نیست (حسینی، ۱۳۷۹، مقدمه کتاب).

انگیزه مؤلف از نگارش کتاب، ثبت وقایع تاریخ و عبرت از گذشتگان بوده است. کتاب مذکور که تاریخ وقایع دنیا از آغاز آفرینش تا سال ۹۷۰ ق را در بردارد، مشتمل است بر یک مقدمه در بیان خلقت آدم و ذکر اولادش تا سام بن نوح و دیگر انبیا و هفت مقاله درباره تاریخ ایران پیش از اسلام، تاریخ پیامبر اسلام، خلفای راشدین، بنی‌امیه، بنی‌عباس و ائمه اثنی عشر، ذکر سلسله سلاطینی که هم‌عصر عباسیان بوده‌اند، تاریخ سلطنت چنگیز خان و اعقابش، سلطنت تیموریان، سلطنت شاه اسماعیل صفوی، تاریخ سلاطین دهلی، بنگاله، گجرات و دکن.

مؤلف در این دو مقاله رویدادهایی را ذکر کرده که در دیگر منابع تاریخی کمتر دیده می‌شود. یک سال و نیم حضور وی در اردوهای شاه طهماسب، این مقاله را به گنجینه‌ای مهم و قابل استناد در تاریخ صفوی بدل کرده است. وی در طول اقامت خود در ایران، در اغلب سفرها، همراه و همدم شاه طهماسب بود و در اکثر مجالس نیز حضور داشت. از این رو اغلب مشاهدات خود را در کتاب آورده که بدین وسیله بر اعتبار اثر افزوده است. مباحث به دلیل نزدیکی به زمان مؤلف، ارزش تاریخی بسیاری دارد. مطالب مربوط به تاریخ شاه طهماسب و روابط وی با هند از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است.

نثر کتاب، مرسل و بدون اطناب بوده و مؤلف در جای‌جای مباحث، از آیات، احادیث و گاه اشعار و امثله عربی و به مناسبت‌هایی از اشعار بزرگان ادب فارسی چون امیر خسرو دهلوی، جامی، حافظ، رجاء اصفهانی، سعدی، قاسم گنابادی و... استفاده کرده است. در بسیاری موارد نیز از تاریخ گزیده، ظفرنامه و حبیب السیر استفاده کرده یا از آن‌ها نام برده است. در این میان، در بخش صفویه، سهم تذکره شاه طهماسب بیش از دیگر کتاب‌هاست. این کتاب شامل پنج گفتار درباره فرمانروایان قراقویونلو، آق قویونلو، ظهور شاه اسماعیل،

سلطنت شاه طهماسب، حکام محلی شیروان، گیلان، طبرستان، خوزستان و سلاطین دیار روم است؛ ولی کتاب مطالب را از به سلطنت رسیدن شاه اسماعیل صفوی و جنگ‌های او با الوند میرزا در آذربایجان در سال ۹۰۷ ق، سلطان مراد در عراق در سال ۹۰۸ ق و حسین کیای چلاوی که در عهد دولت و سلطنت امیر تیمور گورکان، والی ولایت مازندران بود، آغاز کرده است. وی در ادامه به فتح یزد و کشته شدن محمد کرای و قتل عامی که در طبرستان واقع شد، اشاره کرده و متن کامل نامه شیبک خان و جوابی که حضرت شاه اسماعیل به او نوشته را آورده است. از دیگر وقایع مهمی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده، می‌توان جنگ شاه اسماعیل با شیبک خان و ازبکان، جنگ چالدران، کشته شدن میرزا شاه حسین به دست شاه قلی رکاب‌دار، مرگ شاه اسماعیل و جلوس شاه طهماسب، جنگ‌های شاه طهماسب، فرار القاس میرزا به طرف روم و توسل به والی آن را نام برد.

نویسنده در لابه‌لای این کتاب، اطلاعات جالبی از وضع اجتماعی ایران در اختیار خواننده قرار داده و از این رهگذر به وضع سیاسی- اجتماعی آن عصر اشاره کرده و مظلومیت ملت ستمدیده و ستم کشیده را بیان کرده است. به عنوان مثال، چون به تاریخ شاه اسماعیل می‌پردازد، پروایی ندارد که از ستمگری‌های وی نکته‌هایی بیاورد. در این باره، مطالب جالب و در خور تعمقی در کتاب وجود دارد (حسینی، ۱۳۷۹، مقدمه کتاب و دانشنامه جهان اسلام: <https://rch.ac.ir>).

بافت و زمینه تاریخی استنادات قرآنی تاریخ ایلچی

همان‌طور که گفته شد در نظریه کنش گفتاری، تنها معنای ظاهری عبارات مورد توجه نیست؛ بلکه شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی، سیاسی و... که از آن به عنوان «بافت» یاد می‌شود، نیز دارای اهمیت است و شامل ناگفته‌های یک متن می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۵، ۳۵)؛ بنابراین از آنجا که موقعیت در نظریه کنش گفتار از اهمیتی ویژه برخوردار است، لازم است بافت آیات مورد استناد را بررسی کنیم. البته از آنجا که تعداد آیات بسیار زیاد است تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

- آیه ۸۹ سوره نساء: «...وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ...» از گونه آیه‌های ترغیبی و اعلامی در قرآن است. این آیه چون آیات سوره نساء در مدینه بر پیامبر اسلام نازل گردیده است. از روایات مختلفی که در شأن نزول آیه وارد شده و مفسران در تفاسیر گوناگون آورده‌اند، چنین استفاده می‌شود که دو قبیله در میان قبایل عرب به نام‌های «بنی ضمره» و «اشجع» وجود داشتند که قبیله اول با مسلمانان پیمان ترک تعرض بسته بودند و طایفه اشجع با بنی ضمره نیز هم‌پیمان بودند. بعضی از مسلمانان از قدرت طایفه بنی ضمره و پیمان‌شکنی آن‌ها بیمناک بودند، لذا به پیغمبر اکرم پیشنهاد کردند پیش از آن که آن‌ها حمله را آغاز کنند، مسلمانان به آن‌ها حمله‌ور شوند. پیغمبر فرمود: «نه! هرگز چنین کاری نکنید، زیرا آن‌ها در میان تمام طوایف عرب نسبت به پدر و مادر خود نیکوکارترند و از همه نسبت به اقوام و بستگان مهربان‌تر و به عهد و پیمان خود از همه پایبندترند». پس از مدتی مسلمانان باخبر شدند که طایفه اشجع که هفتصد نفر بودند به سرکردگی مسعود بن رجیله به نزدیکی مدینه آمده‌اند. پیامبر نمایندگانی نزد آن‌ها فرستاد تا از هدف مسافریشان مطلع گردد. آن‌ها اظهار کردند آمده‌ایم قرارداد ترک مخاصمه با محمد ببندیم. هنگامی که پیامبر این را شنید دستور داد مقدار زیادی خرما به‌عنوان هدیه برای آن‌ها ببرند. آن‌ها نیز اظهار داشتند ما از یک طرف توانایی مبارزه با دشمنان شما را نداریم، چون تعداد ما کم است و نه قدرت و تمایل به مبارزه با شما را داریم، زیرا محل ما به شما نزدیک است؛ لذا آمده‌ایم با شما پیمان ترک تعرض ببندیم. در این هنگام آیات فوق نازل شد و دستورهای لازم را در این زمینه به مسلمانان داد. از پاره‌ای روایات استفاده می‌شود که قسمتی از آیه درباره طایفه «بنی مدلج» نازل شده است که خدمت پیامبر رسیدند و اظهار کردند که ما نه با شما هم‌صدا هستیم و نه بر ضد شما گام برمی‌داریم و پیامبر پیمان ترک مخاصمه با آن‌ها بست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۵/۴). بافت تاریخی این آیه در کتاب ایلچی مربوط به فتح گرجستان است:

«وصف الحال آن گروه بی‌دین گشته غازیان عظام تیغ کین از نیام برکشیدند و به فحوی «أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» هر که را یافتند، از جوان و پیر طعمه شمشیر گردانیدند» (حسینی، ۱۳۷۹، ۱۵۹).



- آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...» (احزاب: ۳۳) از نوع کنش اظهاری است. این آیه درباره پنج تن یعنی پیغمبر و علی و فاطمه و حسن و حسین نازل گردیده است. ابوسعید نضوی با اسناد از عطاء بن ابی رباح و او به یک واسطه از ام‌سلیم (طبق روایت شیعه: ام‌سلمه) روایت می‌کند که پیغمبر در خانه ام‌سلمه بود که فاطمه با دیگری سنگی آمد که در آن خزیره (نوعی آش) بود. پیغمبر فرمود: شوهر و دو پسر را هم صدا کن. علی و حسن و حسین نیز آمدند و همه از آن غذا خوردند و پیغمبر در بسترش روی کسای سیاه‌رنگ قرار داشت. ام‌سلیم گوید: من در حجره نماز می‌خواندم که این آیه نازل گردید. ام‌سلیم گوید: پیغمبر گوشه کسا را گرفت و بر ایشان پوشانید و دست به دعا برداشت که «خدایا اهل بیت من و ویژگیان من اینانند. از اینان پلیدی را دور ساز و به تمام معنا پاکیزه‌شان کن.» ام‌سلیم گوید: من سر درون خانه کرده، پرسیدم: «یا رسول الله من هم هستیم؟» فرمود: «انک إلى خیر، انک إلى خیر»؛ تو به سوی خیر و خوبی هستی، یا اینکه تو برو به سلامت! (ذکاوئی قراگزلو، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۱۸۸).

بافت تاریخی این آیه در متن کتاب ایلچی به زمانی بازمی‌گردد که القاس میرزا به طرف روم فرار کرد و به والی آن مرزوبوم توسل جست و آن را «خواندگار روم» و القاس میرزا را پسر خود خوانده و مملکت عجم را به القاس میرزا ارزانی داشته است. دبیران به موجب فرمان شاه در جواب القاس میرزا به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کردند و نوشتند:

«ظاهر است که آقای من نزد حق سبحانه و تعالی از آقای تو عزیزتر و مکرم‌تر است... من غلام آن امام که حق جل و علا در شأن او این آیات فرستاده: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»، «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ»، «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا»، «وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» دیگر آیه «وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ». صد هزاران هزار تشنه لب مثل آقای تو در روز قیامت بر لب حوض کوثر از آقای من آب خواهند طلبید و او به هر کس که لایق داند، آب خواهد داد (حسینی، ۱۳۷۹، ۱۶۶).

- از آیات دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۳۴ سوره نمل است: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا» است. شأن نزول این آیه مشخص نیست و درباره داستان سلیمان

و ملکه سیاست. بعد از مشورت ملکه با درباریان خود طوری که از این آیه استفاده می شود نظرش این شد که درباره سلیمان تحقیق بیشتری شود و کسی را نزد او بفرستد که از حال او و مظاهر نبوت و سلطنتش اطلاعاتی به دست آورده، برایش بیاورد تا او به یکی از دو طرف جنگ یا تسلیم رأی دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۳/۱۵). بافت دوم از این آیه در کتاب ایلچی، درباره فتح یزد و کشته شدن محمد کرایبی و قتل عام در طیس است. در اوایل ماه شعبان سال ۹۱۰ ق، هنگامی که اعراب از حضور شاه اسماعیل صفوی خبردار شدند، فرار کرده و آتش خشم شاهانه را ملتهب کردند و مصداق این آیه قرار گرفتند. بنابراین سپاه شاه دست به غارت و خونریزی زدند و به خاص و عام آن شهر رحم نکردند و به روایت مشهور هفت هزار نفر در طیس کشته شدند (حسینی، ۱۳۷۹، ۳۱).

- از آیات دیگری که می توان به آن اشاره کرد، آیه ۱۹ سورة انفال است. سبب نزول این آیه چنین است که ابوجهل در روز جنگ بدر گفت: خدایا هر که از میان ما فاجرتر و قاطع تر در رحم و خویشاوندان است، فردا او را منکوب نما! سپس این آیه نازل گردید و دعای ایشان را بر خودشان شنوایده و مستجاب نمود. زیرا فردای آن روز ابوجهل به دست دو برادر به نام های عوف و مسعود که از فرزندان عفرا به شمار می آمدند، منکوب گردید. چنان که از عبدالله بن ثعلبه بن صغیر هم روایت مزبور نقل شده است، سدی و کلبی گویند: «وقتی که مشرکین از مکه بیرون می آمدند قبل از آمدن به خانه کعبه رفتند و خود را بیاویختند و چنین گفتند: بار خدایا از این دو دسته که با یکدیگر جنگ می کنند، آن را که در نزد تو محبوب تر و فاضل تر و راه یافته ترند، پیروز گردان» و خداوند رسول خویش را در این جنگ پیروز گردانید. چنان که چنین استجاب دعایی درباره ابوجهل در شأن نزول آیه ۹ در این سوره نیز آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۸/۷ و طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۸۷/۱۰).

بافت تاریخی این آیه در کتاب تاریخ ایلچی به فتح عراق توسط شاه اسماعیل و محاربه وی با سلطان مراد بازمی گردد. ایلچی نظام شاه در توصیف این واقعه بیان می کند: «لشکری با آن کثرت سوار و بسیاری یراق و استعداد، از گروه اندک منهزم شده دست اضطراب به دامن فرار آویخته «كَانَهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ» متفرق و پراکنده شدند. نسیم عنایت «وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ» بر پرچم رایت ظفر درایت حضرت شاه دین پناه وزیده، گل مرادش از گلشن «فَقَدَّ

جاءكمُ الْفَتْحُ» بشکفید و سلطان مراد دست از ملک و مال بازداشته، روی به بادیۀ نامرادی نهاد و لهذا در افواه و السنة انام به نامراد اشتهاار یافته» (حسینی، ۱۳۷۹، ۲۲).

- از آیات دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۹ سورة حجرات است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا». بافت تاریخی این آیه به زمانی بازمی‌گردد که میان دو قبیله «اوس» و «خزرج» اختلاف افتاد و همان سبب شد تا گروهی از آن دو به جان هم بیفتند و با چوب و کفش یکدیگر را بزنند. بخاری و مسلم نیز این روایت را آورده‌اند (ذکاوئی قراقرلو، ۱۳۸۳، ۲۰۸). بافت تاریخی این آیه در کتاب ایلچی به عصیان سلطان بایزید و پناهنده شدن او به دربار شاه طهماسب بازمی‌گردد. بایزید عثمانی در ۲۱ محرم ۹۶۷ ق به دربار شاه طهماسب در قزوین رسید و با مراسم شکوهمندی از او استقبال شد؛ چنان که گوهر برسرش افشاندند. شاه طهماسب به درخواست بایزید، اما به ظاهر از قانونی عفو او را خواستار شد. قانونی نیز مدت کوتاهی درباره عفو پسر خود اندیشید، اما به سبب مخالفت سلیم و طهماسب منصرف شد. سلیم روا می‌دید که برادرش از میان برداشته شود و طهماسب نیز که می‌خواست از این کشمکش سود ببرد، نخست به ادعای آن که سوءقصدی بر جان بایزید ترتیب داده شده، سپاهیان او را پراکند. سپس در ۲۰ رجب ۹۶۷ ق او و پسرانش را زندانی کرد. پس از آن، بین قانونی، سلیم و طهماسب، برای تحویل بایزید، نامه‌نگاری‌ها و مذاکرات آغاز شد. سرانجام پادشاه ناگزیر شد بعضی از خواسته‌های شاه ایران را بپذیرد؛ از جمله ۶۰۰، ۲۰۰، ۱ سکه به طهماسب پردازد و قلعه قارص را هم به ایران واگذارد. همچنین سلیم نیز در عهدنامه‌ای پذیرفت که چون به سلطنت رسید، با ایران مناسبات دوستانه داشته باشد. چون قرار بود پس از رسیدن به توافق، بایزید و پسرانش تحویل داده شوند. ایلچیان عثمانی در ۱۴ ذی‌قعدة ۹۶۹ ق به قزوین رسیدند. روز پنجشنبه ۲۱ ذی‌قعدة بایزید به علی‌آغا، چاووش‌باشی (فرمانده تبرزین‌داران محافظ) سلیم، تحویل داده شد و او را همان‌جا با طنابی که بر گردنش انداختند، خفه کردند و بعد از او چهار پسرش را نیز به همان سرنوشت گرفتار ساختند (دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل بایزید (۲)، (۸۵۱-۹۱۸)، هشتمین سلطان عثمانی و فرزند ارشد سلطان محمد فاتح، <https://rch.ac.ir/article/Details/۵۸۳۶>).

ایلچی نظام شاه این داستان را این گونه روایت می کند: «هرچند آن قره العیون از مناجات اطاعت انحراف نموده، به منطوق «اولادنا اکبادنا» از روی مهر و شفقت پرده مغفرت بر کردار او پوشند و از مضمون «أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» درنگدشته از کردارهای او درگذرند و مابین فرزندان به مضمون بلاغت مشحون «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا» به نوعی که رأی عالی اقتضا کند، عمل فرمایند. چون مکتوب مذکور مصحوب علی آقا آقچه سقل یوزباشی به مطالعه خواندگار روم رسید، از این معنی بسی مسرور شده، دانست که حضرت شاه خلافت پناه با او در مقام مخالفت و عناد نیست؛ لاجرم رسولان با تحف و هدایای فراوان علی التعاقب و التوالی به درگاه شاه عالمیان فرستاده، فرزند و فرزندزاده‌ها را طلب نمود» (حسینی، ۱۳۷۹، ۱۹۶).

اکنون در ادامه به کنش های گفتاری آیات مورد استناد کتاب تاریخ ایلچی نظام شاه اشاره می کنیم. این آیات در انتهای کتاب و در بخش فهرست آیات و احادیث آمده است (حسینی، ۱۳۷۹: ۳۷۰-۳۶۳).

جدول شماره ۱: آیات و نوع کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم

آیه	کنش های گفتاری آیات	کنش گفتارهای غیرمستقیم
أَتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (بخشی از آیه ۵۴ سوره نساء)	اظهاری	ترغیبی
اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي (بخشی از آیه ۳۸ سوره یوسف)	اظهاری	ترغیبی
أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ (بخشی از آیه ۷۷ سوره قصص)	ترغیبی	اعلامی
إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ (بخشی از آیه ۱۱ سوره رعد)	اظهاری	ترغیبی
إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا (بخشی از آیه ۸۲ سوره یس)	اظهاری	ترغیبی
فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (بخشی از آیه ۳۴ سوره اعراف)	اظهاری	ترغیبی

ترغیبی	اظهاری	إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (آیه ۱ سورة زلزال)
اعلامی	ترغیبی	ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (آیه ۲۸ سورة فجر)
ترغیبی	اظهاری	اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ (بخشی از آیه ۱۰۲ سورة توبه)
اعلامی	ترغیبی	أَفَغَيْرَ اللَّهِ ابْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا (بخشی از آیه ۱۱۴ سورة انعام)
اعلامی	ترغیبی	أَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ (بخشی از آیه ۸۹ سورة نساء)
ترغیبی	عاطفی	إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ (بخشی از آیه ۲۳ سورة شوری)
ترغیبی	عاطفی	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ (بخشی از آیه ۴۳ سورة اعراف)
ترغیبی	اظهاری	الَّذِينَ يَسْتَجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (آیه ۳ سورة ابراهیم)
ترغیبی	اظهاری	الصُّلْحُ خَيْرٌ (بخشی از آیه ۱۲۸ سورة نساء)
تعهدی - ترغیبی	اظهاری	فَالْيَوْمَ تَجْزُونَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (بخشی از آیه ۲۰ سورة احقاف)
ترغیبی	عاطفی	أَمِنْ يُجِيبُ الْمَضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ (بخشی از آیه ۶۲ سورة نمل)
اعلامی	اظهاری	إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ (بخشی از آیه ۲۶ سورة ص)
ترغیبی	اظهاری	إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ (آیه ۱۳ سورة حجرات)

ترغیبی	اظهاری	إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (آیه ۶ سورة علق)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بخشی از آیه ۱۵۶ سورة بقره)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا (بخشی از آیه ۳۴ سورة نمل)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا (بخشی از آیه ۴۰ سورة مریم)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ (بخشی از آیه ۲۲ سورة زخرف)
ترغیبی	اظهاری	أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (بخشی از آیه ۲۳۷ سورة بقره)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (آیه ۱۷۳ سورة صافات)
اعلامی	اظهاری	إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ (بخشی از آیه ۶۵ سورة اسراء)
اعلامی	اظهاری	إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ (بخشی از آیه ۹۰ سورة مائده)
اعلامی	اظهاری	إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (بخشی از آیه ۳۳ سورة احزاب)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (آیه ۵ سورة شرح)
ترغیبی	اظهاری	إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَعِيفٌ فَلَا تَفْضَحُونِ (بخشی از آیه ۶۸ سورة حجر)
ترغیبی	اظهاری	أَوْ أَدْنَىٰ (بخشی از آیه ۹ سورة نجم)
ترغیبی	اظهاری	أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ (بخشی از آیه ۱۶ سورة هود)

ترغیبی	اظهاری	تَعَزُّ مِنْ تَسَاءٍ (بخشی از آیه ۲۶ سورة آل عمران)
تعهدی	اظهاری	جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (بخشی از آیه ۲۳ سورة ابراهیم)
ترغیبی	اظهاری	جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ (بخشی از آیه ۲۱ سورة حدید)
ترغیبی	عاطفی	رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (بخشی از آیه ۱۹ سورة نمل)
ترغیبی	عاطفی	رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا (بخشی آیه ۲۳ سورة اعراف)
ترغیبی	اظهاری	عَسَى أَنْ تَحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ (بخشی از آیه ۲۱۶ سورة بقره)
ترغیبی	اظهاری	فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (بخشی از آیه ۳۴ سورة اعراف)
اعلامی	ترغیبی	فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (بخشی از آیه ۲ سورة حشر)
عاطفی	اظهاری	فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا (بخشی از آیه ۱۱ سورة غافر)
ترغیبی	اظهاری	فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا (بخشی از آیه ۱۵ سورة فصلت)
اعلامی	ترغیبی	فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رَبَاعٍ (بخشی از آیه ۳ سورة نساء)
تعهدی	اظهاری	فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (بخشی از آیه ۳۰ سورة انعام)

اظهاری	اظهاری	فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (آیه ۵۱ سوره مدثر)
تعهدی	اظهاری	فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (بخشی از آیه ۱۷۷ سوره صافات)
ترغیبی	تعهدی، اظهاری	فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بخشی از آیه ۱۳۷ سوره بقره)
ترغیبی	اظهاری	فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا (بخشی از آیه ۲۵۶ سوره بقره)
تعهدی	اظهاری	فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ (بخشی از آیه ۱۹ سوره انفال)
اعلامی - ترغیبی	اظهاری - عاطفی	فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (آیه ۴۵ سوره انعام)
ترغیبی	اظهاری	فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (آیه ۵۰ سوره یس)
ترغیبی	اظهاری	فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (آیه ۱۴۹ سوره انعام)
ترغیبی	اظهاری	فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ (بخشی از آیه ۹۷ سوره آل عمران)
اعلامی - ترغیبی	اعلامی	قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ (بخشی از آیه ۸۱ سوره اسراء)
اعلامی - ترغیبی	اعلامی	قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا (بخشی از آیه ۲۳ سوره شوری)
ترغیبی	اظهاری	كَانَهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ (بخشی از آیه ۷ سوره قمر)
اعلامی	اظهاری	كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَسْأَلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا (بخشی از آیه ۳۰ سوره رعد)

اعلامی - ترغیبی	اظهاری	كُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (بخشی از آیه ۵۷ سوره عنکبوت)
ترغیبی	اظهاری	كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ (بخشی از آیه ۲۴۹ سوره بقره)
عاطفی - ترغیبی	اظهاری	كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ (بخشی از آیه ۱۱۰ سوره آل عمران)
ترغیبی	اظهاری	لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بخشی از آیه ۶۲ سوره یونس)
ترغیبی	تعهدی	وَبَسَّتِ الْجِبَالُ (آیه ۵ سوره واقعه)
عاطفی	ترغیبی	مَا لَا طَاقَةَ لَنَا (بخشی از آیه ۲۸۶ سوره بقره)
ترغیبی	اظهاری	مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا (آیه ۲ سوره فاطر)
اعلامی	اظهاری	نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ (آیه ۶ سوره همزه)
اعلامی - ترغیبی	اظهاری	نَارُ حَامِيَةٍ (آیه ۱۱ سوره قارعه)
تعهدی - ترغیبی	اظهاری	وَإِذَا مَرَضَتْ فَهُوَ يَشْفِيهِ (آیه ۸۰ سوره شعراء)
اعلامی	ترغیبی	وَإِذْ ذُكِّرَ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ (بخشی از آیه ۵۴ سوره مریم)
اعلامی	اظهاری	وَاللَّهُ مَتَمُّ نُورِهِ (بخشی از آیه ۸ سوره صف)
ترغیبی	اظهاری	وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ (بخشی از آیه ۲۵ سوره یونس)
تعهدی - ترغیبی	اظهاری	وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ (بخشی از آیه ۱۳ سوره آل عمران)
ترغیبی	تعهدی	وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ (آیه ۱ سوره انشقاق)

اعلامی	اظهاری	وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا (بخشی از آیه ۹ سورة حجرات)
ترغیبی - اعلامی	اظهاری	وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ (بخشی از آیه ۶۱ سورة آل عمران)
ترغیبی	تعهدی - اظهاری - اظهاری	وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (آیه ۱۵۶ سورة بقره)
اعلامی	اظهاری - اعلامی - اظهاری	وَمَتَّ كَلِمَةً رَبِّكَ صَدَقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (آیه ۱۱۵ سورة انعام)
اعلامی	ترغیبی	وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (بخشی از آیه ۷۸ سورة حج)
ترغیبی	اظهاری	ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (بخشی از آیه ۳۰ سورة روم)
ترغیبی	تعهدی	وَ سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (بخشی از آیه ۲۱ سورة انسان)
ترغیبی	اظهاری	ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ (بخشی از آیه ۱۱۸ سورة توبه)
ترغیبی	اظهاری	وَ عَلَّمَهُمْ مِمَّا يَشَاءُ (بخشی از آیه ۲۵۱ سورة بقره)
اعلامی	ترغیبی	وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً (بخشی از آیه ۱۹۰ سورة بقره)
اعلامی	اظهاری	وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (بخشی از آیه ۱۱۲ سورة انعام)

اعلامی	ترغیبی - ترغیبی	وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بخشی از آیه ۴۲ سوره بقره)
اعلامی	ترغیبی	وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (بخشی از آیه ۱۹۵ سوره بقره)
اعلامی	اظهاری	وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا (بخشی از آیه ۱۳۰ سوره بقره)
ترغیبی	اظهاری	وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (بخشی از آیه ۱۲۲ سوره نحل)
اعلامی - ترغیبی	اظهاری	وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (بخشی از آیه ۱۰۵ سوره انبیاء)
اعلامی - ترغیبی	اظهاری	وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (بخشی از آیه ۷ سوره فتح)
ترغیبی	اظهاری	وَلَوْ أَعْلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نَفُورًا (بخشی از آیه ۴۶ سوره اسراء)
ترغیبی	اظهاری	وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (بخشی از آیه ۹۷ سوره آل عمران)
ترغیبی	اظهاری	وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرُ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (بخشی از آیه ۳۲ سوره حج)
اعلامی - ترغیبی	اظهاری	وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ (بخشی از آیه ۲۵ سوره شوری)
ترغیبی	اظهاری	وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَ أَسِيرًا (آیه ۸ سوره انسان)

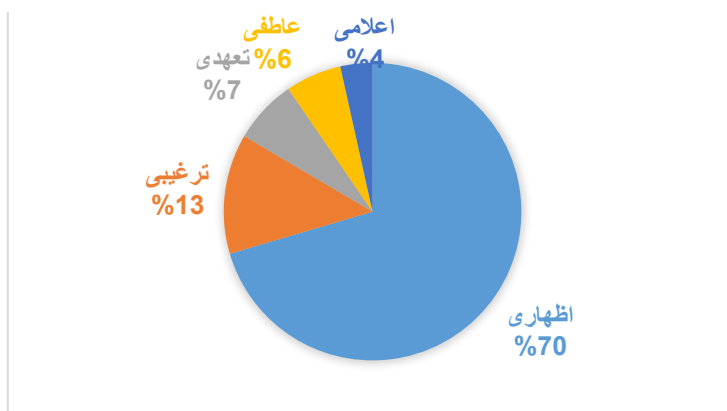
ترغیبی	ترغیبی	هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (آیه ۶۰ سوره الرحمن)
ترغیبی	ترغیبی	هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (آیه ۹ سوره زمر)
ترغیبی	اعلامی	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بِرَهَانٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَانْزِلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (آیه ۱۷۴ سوره نساء)
ترغیبی	اظهاری	مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ (بخشی از آیه ۹۲ سوره انعام)
اعلامی	اظهاری	يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ (آیه ۶۹ سوره انبیاء)
ترغیبی	اظهاری	يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ (آیه ۵۹ سوره نحل)
ترغیبی	عاطفی	يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ (آیه ۷۴ سوره آل عمران)
اعلامی	اظهاری	يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ (آیه ۱۰ سوره فتح)
اعلامی - ترغیبی	اظهاری	يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ (آیه ۷ سوره طه)
ترغیبی	اظهاری	يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ (بخشی از آیه ۷ سوره انسان)
ترغیبی	تعهدی	يَوْمَئِذٍ يَفِرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (بخشی از آیه ۴ سوره روم)
ترغیبی	تعهدی	يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا (بخشی از آیه ۱۵۸ سوره انعام)
ترغیبی	تعهدی	يَوْمَ يَفِرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (آیه ۳۴ سوره عبس)

با توجه به جدول شماره یک، بیشترین کنش گفتاری استنادات قرآنی تاریخ ایلچی با تعداد ۸۱ مورد از ۱۱۵ مورد با ۷۰/۴۳ درصد، مربوط به کنش‌های اظهاری است. کنش‌های

ترغیبی با ۱۵ مورد به تعبیری با ۱۳/۰۴ درصد در جایگاه دوم از بیشترین استنادات قرار دارند. کنش تعهدی در استنادات تاریخ ایلچی ۸ مورد و به عبارتی ۶/۹۵ درصد کنش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. ۷ مورد و به عبارتی ۶/۰۸ درصد از کنش‌ها به کنش‌های عاطفی اختصاص داشت و در نهایت ۴ مورد و به عبارتی ۳/۴۷ درصد کنش گفتار اعلامی در این استنادات دیده شد.

جدول شماره ۲: فراوانی انواع کنش گفتارها در استنادات قرآنی تاریخ ایلچی

ردیف	اظهاری (assertive)	ترغیبی یا ترغیبی (directives)	التزامی یا تعهدی (commissives)	ابرازی یا عاطفی (expressives)	اعلامی یا اعلانی (declarations)	جمع کل
تعداد	۸۱	۱۵	۸	۷	۴	۱۱۵
درصد	۷۰/۴۳	۱۳/۰۴	۶/۹۵	۶/۰۸	۳/۴۷	۹۹/۹۷



نمودار فراوانی انواع کنش گفتارها در استنادات قرآنی تاریخ ایلچی

نتیجه گیری

بیشترین نوع کنش های گفتاری در استنادات قرآنی کتاب ایلچی با تعداد ۸۱ مورد از ۱۱۵ مورد با ۷۰/۴۳ درصد، از نوع کنش اظهاری است. چنان که پیشتر گفته شد، اگر کنش های گفتاری یک متن بیشتر اظهاری باشد، نشانه ای از نوع متن و هدف نویسنده است. این کنش ها معمولاً در متون خبری، علمی، تاریخی و غیره کاربرد دارند که در آن ها نویسنده قصد دارد اطلاعات را منتقل کند و نظر شخصی خود را بیان نکند. از این رو، مؤلف تاریخ ایلچی سعی دارد بیشتر به تشریح و انتقال اطلاعات اوضاع زمانه خود بپردازد و اساساً تاریخ نگاری دوره صفویه از این قاعده مستثنی نیست و مورخان غالباً انتقال دهندگان اطلاعات و اخبار هستند تا تبیین کننده مسائل روز.

همان طور که در جدول شماره یک نشان داده شد، بیشترین کنش های غیرمستقیم به کنش های ترغیبی اختصاص داشت. کنش های غیرمستقیم ترغیبی نشانه ای از استفاده از زبان به صورت ضمنی و استنباطی است. این کنش ها در آن دسته از کنش های گفتاری قرار می گیرند که در آن ها گوینده یا نویسنده چیزی را بیان نمی کند؛ بلکه با استفاده از ساختارهای زبانی و بافت مکالمه، مخاطب را ترغیب می کند به چیزی که گوینده یا نویسنده مد نظر دارد، برسد. کنش های غیرمستقیم ترغیبی در متون مذهبی، تعلیمی، شعر، داستان و سخنرانی ها کاربرد دارند و نشان دهنده هنر نویسندگی و سخنوری و توانایی اقناع گوینده یا نویسنده اند. با توجه به فراوانی کنش گفتارهای غیرمستقیم ترغیبی در بین کنش های گفتاری کتاب ایلچی، مؤلف سعی داشته، رفتار و گفتار شاه را توجیه نماید و همان طور که گفته شد، وی در طول اقامت خود در ایران، در اغلب سفرها، همراه و همدم شاه طهماسب بود و در اکثر مجالس نیز حضور داشته است. از این رو بیشترین کنش گفتاری غیرمستقیم در استنادات قرآنی کتاب ایلچی، مربوط به کنش های ترغیبی است



منابع

* قرآن کریم.

۱. آرام، محمداقبر، اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶ ش.
۲. اصفهانی‌واله قزوینی، محمد یوسف، ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم، محقق/مصحح: محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
۳. حسینی، خورشاه بن قباد، تاریخ ایلچی، نظام‌شاه، محقق/مصحح: محمدرضا نصیری و کوئچی هانه‌دا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
۴. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین؛ تاریخ حبیب‌السیر، تهران، خیام، ۱۳۸۰ ش.
۵. دانشنامه جهان اسلام، تاریخ ایلچی نظام‌شاه، <https://rch.ac.ir/article/Details/۷۲۰۶>
۶. دست‌آموز، سعیده، محمدی، محمدرضا، «بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت‌وگو از منظر زبان روسی»، دومانه‌نامه جستارهای زبانی، دوره ۷، ش ۱ پیاپی ۲۹، فروردین و اردیبهشت، ۱۳۹۵ ش، صص ۴۱-۶۸.
۷. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
۸. سرل، جان آر، افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۹. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، محقق/مصحح: عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. صفوی، کوروش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. عابدینی، جواد، سرل و علوم انسانی، تحلیل فلسفی واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل و پیامدهای آن برای علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ ش.

۱۵. قاسمی، علی و محمد بنشاخته، تأثیر عناصر کلامی در بینش و روش تاریخ‌نویسی دوره صفویه، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، دوره ۱۹، ش ۷۴، تیر ۱۴۰۰ ش، صص ۱۰۵-۱۵۰.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین، **تاریخ خانی شامل حوادث چهل ساله گیلان**، محقق/مصحح: منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش.
۱۸. متولی، عبدالله، بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی، **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**، سال چهارم، ش ۱۲، ۱۳۹۱ ش، صص ۱۹۱-۱۶۹.
۱۹. مشکور، محمدجواد، **اخبار سلاجقه روم، به انضمام مختصر سلجوق‌نامه ابن بی‌بی**، تهران، کتاب‌فروشی تهران، ۱۳۵۰ ش.
۲۰. مکارم شیرازی ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. نصیری، محمدابراهیم بن زین‌العابدین؛ **دستور شهریاران**، محقق/مصحح: محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳ ش.
۲۲. نورگوا، نینا، **فرهنگ سبک‌شناسی**، مترجم: احمدرضایی جمکرانی، مسعود فرهنگد فر، تهران، مروارید، ۱۳۹۴ ش.
۲۳. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، **اسباب النزول**، ترجمه علیرضا ذکاوتی، قراگزلو ذکاوتی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. هروی، امیر صدرالدین ابراهیم امینی، **فتوحات شاهي**، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، **جامع التواریخ، تاریخ آل سلجوق**، محقق/مصحح: محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. یار محمدی، لطف‌الله، **گفتمان‌شناسی رایج انتقادی**، تهران، سمت، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. یزدی، شرف‌الدین علی، **ظفرنامه**، محقق/مصحح: سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ ش.



۱۳۷